

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: تی یری میسان - Par Thierry Meyssan

برگردان از: حمید محوی

۱۸ فبروری ۲۰۱۴

واشینگتن همواره در سوریه و ژنیو مانور می دهد

واشینگتن از یکسو در ژنیو مذاکره می کند و از سوی دیگر عملیات نظامی تازه ای را علیه سوریه آماده می سازد. ادامه رویدادها هر چه باشد، واشینگتن مهره هایش را به هر شیوه ای که شده به پیش می برد. جنگ برای امریکا هیچ خرجی ندارد، زیرا که تنها سوری ها هستند که می میرند. برای به دست آوردن زمان، بیانیه ای در اختیار دیپلماتها قرار داده که توسط «اپوزیسیون» اعلام می شود. واقعیتی را که پشت هنر نوشتاری نهفته و خود را عنوان مدافع توافق طرفین معرفی می کند، تی یری میسان دست کم سه ترفند را تشخیص داده و جزئیات آن را برای ما توضیح می دهد.

شبکه ولتر/دمشق/۱۷ فوریه ۲۰۱۴



دومین بخش از گردهمایی ژنیو ۲ با آهنگ بسیار متفاوتی نسبت به نخستین بخش از گفت و گوها آغاز شد. سفیر ایالات متحده رابرت فورد دیگر هیأت نمایندگی «اپوزیسیون» را هدایت نمی کند و نمی دانیم از این پس چه کسی از سوی واشینگتن مأمور رسیدگی به امور سوریه خواهد شد. در هر صورت، این هیأت نمایندگی با یک «بیانیه حاوی اصول بنیادی» از راه رسیده و بر آن است که دامی را که ولید معلم در نخستین بخش گسترده بود به سوی دمشق برگرداند :

یعنی وادار ساختن او به پاسخگویی در زمین خودش. دمشق می خواست درباره مبارزه علیه تروریسم بگوید، «اپوزیسیون» با توضیحات دقیق از ترکیب و چگونگی مأموریت سازمان دولت موقت به او پاسخ می گوید.

طی نخستین دور گردهمایی ها، آقای ولید معلم با مخاطب قرار دادن افکار عمومی داخل سوریه و در برخی مواقع افکار عمومی جهان عرب، و نه هرگز غرب، بازی خوبی را ارائه کرد. اگر او می خواست همین افکار عمومی را تحت تأثیر قرار دهد، می بایستی با تکیه به حقوق بین المللی شروع می کرد، پیش از آن که به شیوه کاربرد آن یعنی مبارزه علیه تروریسم بپردازد. ولی ابتداء با تکیه به حقانیت دمشق، اصرار داشت جنایاتی را که جهاد طلبان به پشتیبانی «اپوزیسیون» مرتکب شده اند و علاوه بر این اهداف استعماری جان کری را نشان دهد.

با اشغال زمین خالی، ایالات متحده به «اپوزیسیون» اعلامیه ای را دیکته کرده است که به قطعنامه های شورای امنیت و بیانیه های پایانی ژنیو ۱ تکیه دارد، یعنی متن هایی که به تأیید تمام دولت های رسیده بود که روی گردهمایی صلح سرمایه گذاری کرده بودند.

این بیانیه ابتداء توضیح می دهد که این سازمان چه باید باشد. البته، این سازمان باید بی طرف باشد و تمام عناصر جامعه سوریه را به حساب بیاورد - صلح طلب - یعنی خواهان پایان بخشیدن به جنگ باشد - و ضامن تمامیت ارضی کشور باشد. کارکرد آن باید ایجاد محیطی مناسب برای مردم سوریه باشد تا خودشان قانون اساسی و نهادهای خودشان را مشخص کنند.

نخستین مشکل این بیانیه مخالفت آن با کارکرد گروه های مسلح است. در حالی که اتحادیه ملی در زبانی کاملاً دموکراتیک حرف می زند، گروه های مسلح در محل بی وقفه در پی جنگ افروزی بوده و اقلیت ها را به شهادت رسانده اند. علاوه بر این پیوسته کوشیده اند تا سازمانی سلفی مذهب را بر جامعه تحمیل سازند. مطمئناً، اغلب این گروه ها قانونیت و اقتدار اتحادیه ملی را بازشناسی نمی کنند، ولی اتحادیه ملی نیز هیچ قانونیتی به جز عملیات آنها ندارد.

از این گذشته، هر یک با این ریاکاری از آغاز بحران سروکار داشته است، بهترین سخنرانان برای دموکراسی در سوریه نیز همانا حاکمان مطلق دیکتاتوری های خلیج بوده اند.

دومین مشکل بیانیه، به شیوه ای مرتبط می باشد که ارکان دولت را تعیین می کند. واشینگتن می خواهد شیوه خودش را به شکلی که در کشورهای دیگر به اجراء گذاشته در سوریه نیز تحمیل کند. در نتیجه ژنیو ۲ را نیز مانند گردهمایی بن در مورد افغانستان متصور می شود: قدرت های بزرگ بین خودشان گفت و گو می کنند و کرزی صوری را سر کار می آورند.

به عکس، دمشق بی وقفه بیانیه پایانی ژنیو ۱ را یادآور شده است که مبنی بر آن «در تعلق مردم سوریه می باشد که برای آینده کشورشان تصمیم بگیرند». در نتیجه، نه تنها قانون اساسی جدید باید توسط رفراندوم تأیید شود، بلکه نتیجه ژنیو ۲ تنها با تأیید رئیس جمهور بشار اسد می تواند به اجراء گذاشته شود. و البته، رئیس جمهور بشار اسد نیز متعهد شده است که آن را به رفراندوم موکول کند.

از سوی دیگر، این نکته به قانونیت نمایندگی «اپوزیسیون» باز می گردد. همان گونه که سرگئی لاورف در بیانیه گشایش گردهمایی مطرح کرد، ترکیب کنونی آن مخالف بیانیه ژنیو ۱ است. بیانیه اعلام می کند که «طی بررسی و حل مسأله سیاسی برای دوران گذار، روند باید کاملاً باز باشد تا تمام بخش های جامعه سوری بتوانند نظر خودشان را مطرح کنند.» بر این اساس، نمایندگی «اپوزیسیون» تنها به اتحادیه ملی محدود می شود، در حالی که این اتحادیه از سوی بخش مهمی از اعضای آن فاقد اعتبار اعلام شده است.

سومین مشکل بیانیه این است که برای واشینگتن این امکان را فراهم می سازد که روند جایگزینی را به شکلی که در صربستان به اجراء گذاشت تدارک ببیند، یعنی با سازماندهی «انقلاب رنگی». جنگ گزوو با آتش بس و سپس انتخابات صربستان به پایان رسید. از طریق راه اندازی اردوی روانی، سازمان سیا یکی از طرفداران امریکا را برگزید. سپس، اسلوبودان میلوسویچ را بازداشت کرد و او در لاهه به جرم جنایت علیه بشریت به محاکمه کشیده شد. از آنجائی که پس از دو سال، دادگاه هیچ مدرکی برای اثبات اتهامات میلوسویچ نیافت، او را در سلول زندانش به قتل رساندند. به طور مشخص، مبارزات صرب ها بی فایده بود زیرا امروز، کزووو را از دست داده اند و حاکمانشان همانهای هستند که آنها را بمباران کرده بودند.

در نتیجه، بیانیه حاوی تضاد شگرفی به نظر می رسد: زیرا اعلام می کند که سازمان ملل متحد باید از آغاز دوران گذار در تمام کشور مستقر شود، ولی سازمان ملل متحد را در حاشیه روند متوقف می سازد. به عکس، همین بیانیه تأیید می کند که حق نظارت به عهده «سازمان های مستقل جامعه مدنی بین المللی» است.

در اروپای مرکزی و شرقی، این سازمان ها «فریدام هاوس» (خانه آزادی)، «اوپن سوسیتهی فونداسیون» (بنیاد جامعه باز) و بنیاد ملی برای دموکراسی (۱) نامیده می شود. اولی (فریدام هاوس) از دیدگاه تاریخی وابسته به ایالات متحده و اسرائیل است، دومی (اوپن سوسیتهی فونداسیون) توسط یک معامله گر به نام ژرژ سوروس (۲) مدیریت می شود که در خدمت تأمین منافع ایالات متحده و اسرائیل است، و سومی (بنیاد ملی برای دموکراسی) یک انجمن است، و یکی از ارکان مشترک دولت های ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا می باشد که به ابتکار رولاند ریگان پس از رسوائی سال های ۱۹۷۰ برای تداوم فعالیت های سازمان سیا بنیانگذاری شد. این سازمان ها در هر جایی که بتوانند میلیاردها دالر برای خریداری کردن نخبگان و دولت ها خرج می کنند.

طی جولای ۲۰۱۱، واشینگتن برای پیشنهاد راه حلی مشابه به صربستان یک هیأت رسمی کانادائی به لیبیا فرستاد: یعنی آتش بس و سپس دوران گذار که «سازمان های مستقل جامعه مدنی بین المللی» می توانستند در کشور توسعه یابند. در مقابل عدم پذیرش چنین طرحی از سوی معمر قزافی، ناتو تصمیم گرفت نیروی نظامی اش را به کار بندد. علاوه بر این، بیانیه مشخص کرده بود که سازمان دولت موقت ساخت و سازی را به وجود خواهد آورد تا «افرادی که حقوق بشر و قوانین دادگستری بین المللی را نقض کرده اند» مسؤول شناخته شوند. این جمله مستقیماً می گوید که طی دوران گذار، رئیس جمهور بشار اسد باید بازداشت شده و به جرم جنایت علیه بشریت به دادگاه لاهه منتقل گردد. این روند باید مثل میلوسویچ به مرگ او در زندان خاتمه یابد. بی گمان، وقتی بشار اسد از بازی حذف شد، نامزدهای واشینگتن برندگان انتخابات خواهند بود و به اصطلاح انجمن های ایالات متحده در محل فعال خواهند شد.

در نتیجه درباره ژنیو حرف بسیار است. طی این مدت، رئیس جمهور اوباما از پادشاه اردن در کالیفرنیا استقبال به عمل آورد. هر دو در مورد چگونگی ارتشی که در اردن در شرف تشکیل است به توافق رسیدند. این ارتش در حمله تازه ای علیه سوریه به کار برده خواهد شد. جنگ تا ۳۰ سپتمبر ۲۰۱۴ توسط واشینگتن برنامه ریزی شده است. طی هفت ماه، «اپوزیسیون» تلاش خواهد کرد که با استفاده از سلاح هایش، دست کم، جنوب کشور را به عنوان مرکز دولت موقت تسخیر کند. همیشه بهتر است دو قطعه آهن در آتش داشت.

1)

Fredoom House, Open Society Foundation et National Endowment for Democracy (NED).

2)

George Soros

گاهنامه هنر و مبارزه

۱۶ فیروری ۲۰۱۴

«زیر چشمان ما»

۷۰ مین واقعه نگاری سیاست بین المللی

« Sous nos yeux »

**Washington toujours à la manœuvre
en Syrie et à Genève**